



دانشگاه شاهرود

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

بررسی ساختار محتوایی و زبانی واژگان تابو

در برخی از داستان های معاصر فارسی

استادان راهنما:

دکتر جهانگیری صفری

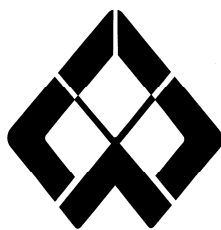
استاد مشاور:

دکتر مسعود رحیمی

پژوهشگر:

مهناز افراز بروجنی

بهمن ماه ۱۳۸۹



Shahrekord University
Faculty of Literature and Humanities
Department Persian Language and literature

The Thesis of MSC in the language and Persian literature Title:

**The exploration of content and linguistic structure of the Taboo
words in the contemporary Persian stories**

Supervisors:
Dr. J. Safari

Advisor:
Dr. M. Rahimi

Researcher:
M. Afraz borujeni

February, 2011

سپاس می گویم استاد بزرگوارم، جناب دکتر صفری و مشاور محترم
این پایان نامه، جناب دکتر رحیمی را که حمایت کردند و هر گاه که
حس کردم نمی توانم ادامه دهم، به من اعتماد به نفس بخشیدند. از
دوست گرانقدرم خانم اسماعیل زاده نیز که همواره چراغ راهم بود،
بسیار سپاسگزارم.

تقدیم به :

همراه همیشگی، همسر عزیزم، که لحظه به لحظه در این راه یاریم کرد.

چکیده

موضوع مورد بررسی در این پایان نامه، لغات تابو، دش‌واژه و دشنام‌واژه‌ها در زبان فارسی است. این قسمت از زبان با وجود حضور پررنگ خود در بین اهل زبان، به دلیل مسائل مختلف جزو محکومین اجتماعی است و پرداختن به آن امری خلاف نزاکت اجتماعی است. با این حال در این پژوهش تلاش شده است بدون جانبداری از این عضو محکوم زبان، به تحلیل و بررسی آن پرداخته شود، و نکات ظریفی که در کاربرد آن در زبان وجود دارد به رشته‌ی تحریر در آید. در این پایان‌نامه‌ی به بررسی دلیل حضور این گونه‌ی زبانی در جامعه، بر خلاف محکوم بودنش، پرداخته شده است. هر چند این گونه‌ی زبانی در میان تمام اهل زبان شناخته شده است، اما گروه‌ها و طبقاتی خاص از جامعه بیشتر از آن استفاده می‌کنند و بر عکس گروه‌هایی تلاش می‌کنند خود را از آن دور نگه دارند. در بین زنان و مردان تفاوت‌هایی در کاربرد یا عدم کاربرد این گونه‌ی زبانی دیده می‌شود. زنان در برخورد با این واژگان محتاط‌تر عمل می‌کنند. نوع واژگان به کار برده شده به وسیله‌ی این دو گروه جامعه نیز تا حدودی متفاوت است. از لحاظ ساختار دستوری نیز زمان حال بیشترین کاربرد را در میان زمان‌های مختلف دارد. حال اخباری و التزامی به وفور دیده می‌شود. این گونه‌ی زبانی به دلایلی با زمان حال هماهنگی بیشتری دارد. در نهایت این که بیشتر جملات این گونه‌ی زبانی دارای یکی از صورت‌های خیال است. که در تأثیر گذاری آن مهم و حیاتی است. در این گونه، شواهد برای آرایه‌های ادبی مانند تشبیه، استعاره، کنایه، ضرب‌المثل و ... فراوان است.

کلمات کلیدی

تابو. دش‌واژه. دشنام‌واژه. داستان. طبقه. جنسیت. ساختار بلاغی. ساختار دستوری.

فهرست

۱	فهرست
۶	۱- فصل اول
۶	۱-۱- کلیات تحقیق
۶	۱-۱-۲- طرح موضوع
۸	۱-۱-۳- فرضیه‌ها و سؤالات تحقیق
۹	۱-۱-۴- اهداف تحقیق
۹	۱-۱-۵- روش پژوهش
۹	۱-۱-۶- پیشینه‌ی تحقیق
۱۱	۲- فصل دوم
۱۱	۲-۱- مبانی نظری و پیشینه‌ی تحقیق
۱۱	۲-۱-۱- داستان و واقعیات جامعه
۱۳	۲-۱-۲- تعریف زبان
۱۴	۲-۱-۳- کارکردهای زبان
۱۴	۲-۱-۴- شکل‌های مختلف زبان
۱۴	۲-۱-۴-۱- لهجه (Dialect)
۱۵	۲-۱-۴-۲- گویش (Patois)
۱۶	۲-۱-۴-۳- گونه (Register)
۱۷	۲-۱-۴-۱- انواع گونه
۱۸	۲-۱-۵- فرهنگ و زبان
۱۹	۲-۱-۶- فرهنگ و تابو
۲۰	۲-۱-۷- تابو در سبک‌های ادبی
۲۰	۲-۱-۷-۱- کلاسیسیسم

۲۱	۲-۷-۱-۲- رمانتیسیم
۲۱	۳-۷-۱-۲- رئالیسم
۲۳	۴-۷-۱-۲- ناتورالیسم
۲۴	۱-۴-۷-۱-۲- ناتورالیسم در ادبیات ایران
۲۵	۸-۱-۲- اصطلاحات نزدیک به موضوع
۲۷	۹-۱-۲- تعاریف تابو
۲۹	۱۰-۱-۲- اهداف وضع تابو
۳۰	۱۱-۱-۲- ذاتی بودن واژگان تابو
۳۱	۱۲-۱-۲- انواع تابو
۳۲	۱۳-۱-۲- دش‌واژه
۳۳	۱۴-۱-۲- دشنام‌واژه
۳۵	۱-۱۴-۱-۲- حوزه‌های مربوط به دشنام‌واژه
۳۷	۱۵-۱-۲- کارکرد دشنام‌واژه‌ها و دش‌واژه‌ها
۴۴	۱۶-۱-۲- قدرت لغات تابو
۴۷	پی نوشت
۴۸	۳- فصل سوم
۴۸	۱-۳- بررسی متغیر طبقه‌ی اجتماعی
۴۸	۱-۱-۳- مقدمه
۴۹	۲-۱-۳- قشر بندی اجتماعی
۵۰	۳-۱-۳- کارکرد زبان در طبقات مختلف
۵۲	۴-۱-۳- طبقه‌ی اجتماعی و کاربرد دش‌واژه‌ها و دشنام‌واژه‌ها
۵۳	۵-۱-۳- خلاصه‌ی داستان‌ها
۵۳	داستان اول: علویه خانم نوشته‌ی صادق هدایت

۵۴	داستان دوم: همسایه ها نوشته‌ی احمد محمود
۵۴	داستان سوم: سنگ صبور نوشته‌ی صادق چوبک
۵۵	داستان چهارم: روز اول قبر نوشته‌ی صادق چوبک
۵۵	داستان پنجم: قصه آشنا نوشته‌ی احمد محمود
۵۵	داستان ششم: مدار صفر درجه: نوشته‌ی احمد محمود
۵۶	داستان هفتم: سووشون نوشته‌ی سیمین دانشور
۵۶	داستان هشتم: داستان یک شهر نوشته‌ی احمد محمود
۵۶	داستان نهم: چراغ آخر نوشته‌ی صادق چوبک
۵۸	۳-۱-۶- بررسی تابو و طبقات اجتماعی در شواهد
۶۵	پینوشت
۶۶	۴- فصل چهارم
۶۶	۴-۱- بررسی متغیر جنسیت
۶۶	۴-۱-۱- مقدمه
۶۶	۴-۱-۲- زبان و جنسیت
۶۹	۴-۱-۳- نظریاتی در مورد زبان و جنسیت
۶۹	۴-۱-۳-۱- لاکف
۷۰	۴-۱-۳-۲- ترادگیل
۷۰	۴-۱-۳-۳- تانازولاس
۷۱	۴-۱-۳-۴- یسپرسن
۷۲	۴-۱- تفاوت مردان و زنان در کاربرد لغات تابو
۷۳	۴-۱-۵- کاربرد ضرب‌المثل
۷۴	۴-۱-۶- زنانگی و مردانگی لغات تابو

۷۷	پی‌نوشت
۷۸	۵- فصل پنجم
	۵-۱- بررسی سبکی گونه‌ی بی‌ادبانه‌ی زبان در رمان‌های معاصر فارسی ۷۸
۷۸	۵-۱-۱- مقدمه
۷۸	۵-۱-۲- زبان‌شناسی نقش‌گرا (functionalism/functional linguistics)
۸۰	۵-۱-۳- فرانش می‌ان فردی
۸۰	۵-۱-۴- وجه جمله (sentence mood)
۸۰	۵-۱-۴-۱- انواع وجه:
۸۳	۵-۱-۴-۲- تحلیل داده‌ها بر اساس وجه جمله
۸۷	۵-۱-۵- فعل و انواع آن
۸۷	۵-۱-۵-۱- انواع زمان گذشته
۸۸	۵-۱-۵-۲- انواع زمان حال
۸۹	۵-۱-۵-۳- آینده
۸۹	۵-۱-۵-۴- فعل امر
۸۹	۵-۱-۵-۵- تحلیل داده‌ها بر اساس زمان افعال
۹۴	پی‌نوشت
۹۵	۶- فصل ششم
۹۵	۶-۱- بررسی جنبه‌های بلاغی موضوع
۹۵	۶-۱-۱- مقدمه
۹۶	۶-۱-۲- تعریف خیال
۹۷	۶-۱-۳- خیال و تصویر
۹۸	۶-۱-۴- معانی، بیان و بدیع
۹۹	۶-۱-۵- تعریف تشبیه

۹۹	۱-۵-۱-۶- انواع تشبیه
۱۰۰	۲-۵-۱-۶- بررسی تشبیه در گونه‌ی بی‌ادبانه‌ی زبان
۱۰۳	۶-۱-۶- استعاره
۱۰۴	۱-۶-۱-۶- بررسی استعاره در این گونه‌ی زبانی
۱۰۶	۷-۱-۶- مجاز
۱۰۶	۱-۷-۱-۶- بررسی مجاز در گونه‌ی بی‌ادبانه
۱۰۷	۸-۱-۶- کنایه
۱۰۷	۱-۸-۱-۶- بررسی کنایه در گونه‌ی بی‌ادبانه
۱۱۱	۹-۱-۶- اغراض مختلف جملات
۱۱۲	۱-۹-۱-۶- جملات خبری و اغراض ثانویه‌ی آنها
۱۱۳	۲-۹-۱-۶- جملات پرسشی و اغراض ثانویه‌ی آن
۱۱۴	۳-۹-۱-۶- جملات امری و اغراض ثانویه‌ی آن
۱۱۶	۴-۹-۱-۶- جملات عاطفی و اغراض ثانویه‌ی آنها
۱۱۶	۱۰-۱-۶- ضرب‌المثل
۱۱۸	۱۱-۱-۶- اغراق
۱۱۹	پی‌نوشت:
۱۲۰	نتیجه‌ی تحقیق
۱۲۲	منابع و مأخذ
۱۲۲	منابع فارسی
۱۲۶	منابع لاتین

۱- فصل اول

۱-۱- کلیات تحقیق

۱-۱-۲- طرح موضوع

از آنجائی که موضوع محوری زبان، انسان و ارتباطاتش است پس لزوماً هر روز نکته‌ای جدید برای آموختن و مطالعه کردن دارد. یکی از موضوعاتی که به عنوان گونه‌ی زبانی در زبان وجود دارد و در زبان و ادب فارسی چندان مورد بررسی قرار نگرفته است، مسأله‌ی دش‌واژه‌ها و جلوه‌های ناهنجار اخلاقی در زبان است. جلوه‌های ناهنجار اخلاقی در هر زبانی به وفور یافت می‌شود و در بین اقشار و طبقات مختلف جامعه با درجاتی گوناگون مورد استفاده قرار می‌گیرد. این تعبیر و کلمات دور از اخلاق با نام‌ها و عناوین مختلفی در زبان تعریف شده‌اند. «دشنام گویی که در نظم و نثر عربی و فارسی و لسان شرع و مقدس از آن عناوین سب، شتم، قذف، فحش، تهتک، بداء (مصدر دوم از باب مفاعله به معنی یکدیگر را دشنام دادن)، بدزبانی، بدگویی، بی‌حیایی، بی-حفاظی، پرده‌داری، سقط‌گویی و... نام برده شده ...» (نیکو بخت، ۱۳۸۰: ۱۵۸). یک نوع از این واژه‌ها و اصطلاحات، دش‌واژه‌ها یا کلمات تابویی است که به گفته‌ی دکتر نیکو بخت در کتاب هجو در شعر فارسی:

«پاره‌ای از شعرا و نویسندگان فارسی از جمله سنایی، مولوی، جامی، راوندی در راحه‌الصدر و نصر... منشی در کلیله دمنه و ... در ایراد پاره‌ای از تمثیل-های خود به قصد موعظه و تعلیم مخاطب یا تفرج خاطر وی، با صراحت تمام، از واژه‌ها و عباراتی رکیک و شرم‌آور بهره‌جسته‌اند و بدون پرده به ذکر حالات عارضی انسان در مسائل جنسی پرداخته و از شرمگاهی یاد کرده‌اند و اینگونه سخنان را هزل نامیده‌اند» (همان: ۷۶-۷۷)

به کار بردن این دش‌واژه‌ها را می‌توان، گونه‌ای از زبان دانست، گونه‌ای دور از اخلاق پسندیده و عرف جامعه که نمی‌توان آن را انکار کرد و نادیده گرفت. که در جامعه به‌وسیله‌ی گروه‌هایی از مردم مورد استفاده قرار می‌گیرد که با مطالعه‌ی علمی می‌توان به اهداف کاربرد این نوع کلمات در میان اهل زبان پی برد.

« گونه‌های زبانی نامعيار بخشی از گنجینه گفتاری جامعه زبانی را تشکیل می‌دهند و تصور جامعه‌ای بدون گونه‌های نامعيار ناممكن است. به نظر می‌رسد بسیاری از احساسات و عواطف انسانی بدون گونه‌های نامعيار بیان ناپذیرند و نمی‌توان در جمعی دوستانه حضور داشت ولی گونه‌ای نامعيار را به کار نبرد» (سارلی، ۱۳۸۷: ۱۰۴).

بنا بر این گفتار، یکی از گونه‌های نامعيار در زبان می‌تواند این سبک خاص سخن گفتن باشد، که برای مقصودی معین بوسیله‌ی کاربران زبان استفاده می‌شود.

« زبان حافظه جامعه است و تصویر حافظه هر جامعه در زبان آن جامعه منعكس است. زبان مثل قالبی است که تجربه و افکار و ذهنیات جوامع را می‌توان در آن ریخت و از نسلی به نسل دیگر منتقل کرد. هر چند جامعه‌ای همگن باشد تفاوت‌هایی در افراد آن هست. شغل و مکان سکونت و میزان تحصیلات و اصل و نسب و وابستگی قومی و سابقه فرهنگی و مذهب افراد جامعه باعث ایجاد گروه‌هایی می‌شود که آنها را گروه‌ها یا طبقه‌های اجتماعی می‌نامند. این گروه‌ها یا طبقات دارای هنجارهای گروهی هستند. یعنی هنجارهایی که همه اعضا گروه پذیرفته‌اند و متعهد به رعایت‌شان هستند» (سمائی، ۱۳۸۲: ۴-۵).

در این پژوهش تلاش بر آن است که دش‌واژه‌های رایج در زبان فارسی با تکیه بر برخی داستان‌های معاصر ادب فارسی بررسی شود. بدین منظور شواهد مورد نیاز از داستان‌های مشهور معاصر فارسی جمع آوری شده است. دلیل انتخاب داستان برای تحلیل و بررسی موضوع آن است که داستان و رمان چارچوبی، نسبتاً دقیق از تحولات اجتماعی و باورها و تعاملات مردم با یکدیگر و بازتابی از اجتماع و مردم است. «آفرینش رمان به مثابه نوع ادبی هیچ نکته شگفت‌انگیزی ندارد. صورت بی‌نهایت پیچیده‌ای که رمان در ظاهر ارائه می‌دهد، همان صورتی است که انسانها هر روز در چارچوب آن زندگی می‌کنند» (گلدمن، ۱۳۷۱ : ۳۱). در واقع از طریق رمان‌ها و داستان‌های اجتماعی می‌توان به آنچه که در یک جامعه اتفاق می‌افتد، دست یافت.

« در حقیقت رمان نویسی که درباره اجتماع رمان می‌نویسد جامعه شناسی است که نه از طریق پژوهش‌های آماری و توصیفی، بلکه با گرد هم آوردن شخصیت‌ها و وقایع گوناگون در اثرش، نظریه‌ای جامعه شناختی می‌سازد که این نظریه نشان دهنده ارزش‌هایی است

که بر آن جامعه حاکم است، یا رمان‌نویس آرزوی تحقق آن را در سر می‌پروراند» (عسگری، ۱۳۸۷: ۱۱۱).

داستان و رمان نوشته شده به وسیله‌ی یک شخص می‌تواند نماینده‌ی فرهنگ یک گروه از جامعه و یا طبقه‌ای خاص باشد.

«گلدمن به صراحت تمام فاعل آفرینشهای فرهنگی و هنری را نه یک فرد بلکه جهان بینی یک جمع می‌داند که در نهایت با انسجام و شکل هنری عرضه می‌شود. او در مقابل این سؤال که آفریننده واقعی یک اثر هنری کیست؟ مسأله طبقات اجتماعی و ساختارهای اجتماعی را پیش می‌کشد و به نوعی نویسنده را نماینده طبقه اجتماعی می‌داند که بدان گرایش دارد. در این صورت اثری که نویسنده می‌آفریند نشان‌دهنده آن طبقه خاص به شمار می‌رود» (همان: ۸۹).

در این پایان نامه به بررسی ساختار زبانی، دستوری و محتوایی و بلاغی این گونه‌ی کاربرد زبانی پرداخته شده است، تا چگونگی ساخت این الفاظ و همچنین دلایل کاربرد آن‌ها در زبان نشان داده شود. در ابتدا مباحث نظری مربوط از قبیل تعریف اصطلاحات ادبی مرتبط با موضوع چون: هجو، هزل، پورنوگرافی، تابو، دش واژه‌ها آورده می‌شود و در بخش‌های بعدی به بررسی و تجزیه و تحلیل شواهد گرد آوری شده بر اساس برخی داستان‌های مشهور معاصر پرداخته می‌شود.

هرچند انجام این تحقیق بر اساس داده‌های زنده‌ی گردآوری شده از بین اهل زبان، کاربردی‌تر می‌نمود، اما از آنجاکه از یک سو این کار، کاری دشوار و وقت‌گیر است و بیشتر در حوزه‌ی پژوهش‌های زبان‌شناسی کاربردی قرار می‌گیرد و از سوی دیگر این که داستان‌های نوشته شده در یک جامعه نیز جزو منابع ثانویه‌ی تحقیق در این گونه موضوعات به حساب می‌آیند؛ و می‌توان از این آثار داستانی که همچون آیینه‌ای تعاملات اجتماعی مردم را به نمایش می‌گذارند نتایجی مستند و قابل قبول به دست آورد. به همین دلیل در این تحقیق منابع مکتوب جهت بررسی و تحقیق انتخاب شده‌اند.

۱-۱-۳- فرضیه‌ها و سؤالات تحقیق

- ۱- این گونه‌ی زبانی در بین طبقات خاصی از جامعه بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- ۲- بین کاربرد این نوع واژه‌ها و جنسیت رابطه‌ای مستقیم وجود دارد.
- ۳- این گونه‌ی زبانی از تمام ظرفیت‌های زبان همچون واژه‌سازی ترکیبات و آرایه‌های ادبی استفاده می‌کند.
- ۴- نوع دش واژه‌های استفاده شده در بین شخصیت‌های داستانی زن و مرد متفاوت است.

۱-۴- اهداف تحقیق

از آنجا که داستان در دوره‌ی معاصر همچون آئینه‌ای مسائل اجتماعی را منعکس می‌کند و نوع زبان و ظرفیت‌های آن را در طبقات مختلف اجتماعی به نمایش می‌گذارد، پس می‌تواند محملی برای بررسی دش‌واژه‌های رایج در جامعه انتخاب شود. همچنین بررسی دش‌واژه‌ها با توجه به اهمیت آن در روابط اجتماعی و اخلاقی جامعه امری ضروری به حساب می‌آید. به همین جهت در این پژوهش برای آشنایی با بخشی از فرهنگ جامعه، دش‌واژه‌ها با تکیه بر آثار داستانی مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرند.

- ۱- با توجه به اینکه به نظر می‌رسد طبقات اجتماعی در کاربرد دش‌واژه‌ها متفاوتند، در این پژوهش تلاش بر آن است که رابطه‌ی طبقات اجتماعی و کاربرد این نوع واژه‌ها مورد بررسی قرار گیرد.
- ۲- همچنین در این پژوهش ظرفیت‌های زبانی استفاده شده در این نوع ترکیبات و جملات مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد و ساختار محتوایی این گونه‌ی زبانی بررسی می‌شود.
- ۳- با توجه به اینکه کاربرد این کلمات ارتباط مستقیمی با جنسیت دارد، تفاوت کاربرد این گونه‌ی زبانی بین زن و مرد نیز بررسی می‌شود.

۱-۵- روش پژوهش

در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. ابتدا منابع قابل استفاده در این زمینه شناسایی و مطالعه شدند. پس از آن مهمترین منابع مربوط انتخاب و فیش برداری لازم از آن‌ها انجام گردید و در مرحله‌ی بعد داده‌ها طبقه‌بندی و تحلیل شد. در پژوهش حاضر برای به دست آوردن داده‌های مورد نیاز خود تعدادی داستان از چند نویسنده‌ی معاصر انتخاب شده است. آثار داستانی انتخاب شده عبارتند از: همسایه‌ها، مدار صفر درجه، علویه خانم و ولنگاری، وغ وغ ساهاب، سنگ صبور، تنگسیر، از مسافر تا تبخال، زائری زیر باران، دائی جان ناپلئون، سفر شب.

۱-۶- پیشینه‌ی تحقیق

در زبان فارسی تحقیقاتی در مورد دش‌واژه‌ها و کلمات تابو، صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در سال ۱۳۸۸ پایان نامه‌ای با عنوان « بررسی سطح اهانت آمیزی واژگان در زبان فارسی » با تلاش محسن بختیار، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان شناسی تهیه شده است. که در این پژوهش میزان اهانت آمیز بودن چند واژه‌ی مختلف از نظر زنان و مردان مورد ارزیابی قرار گرفته است. کتاب «هجو در شعر فارسی» نوشته‌ی ناصر نیکوبخت در سال ۱۳۸۰ به جمع‌آوری داده‌هایی از هجو و هزل - البته در شعر- از قرون ابتدایی اسلام تا عصر عبید پرداخته است. پایان نامه‌ی دکتری بتول علی نژاد که در سال ۱۳۸۲ نوشته شده است، به بررسی

ساختار مؤدبانه‌ی کلمات در زبان فارسی پرداخته است، در قسمت‌هایی از کار خود به جنبه‌هایی از ادب منفی و گونه‌های بی‌ادبانه‌ی زبان نیز پرداخته است.

محمد حاجی محمدی مهریزی، دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی در دانشگاه اصفهان، به سال ۱۳۸۵ در پایان نامه‌ای با عنوان «توصیف زبان شناختی گونه‌ی جاهلی زبان فارسی در فیلم‌ها و برنامه‌های رادیو و تلویزیون» به تعدادی از دش‌واژه‌ها نیز پرداخته است و بیان کرده که بین این گونه‌ی زبانی و گونه‌ی گفتاری معیار تفاوت چندانی به چشم نمی‌خورد اما تفاوت واجی و آوایی بین این دو بسیار بارز و مشخص است و دیگر این که گونه‌ی زبانی جاهلی دارای مشخصه‌های واژگانی، آوایی و نیز معنا شناختی خاص خود بوده و نوعی خلاقیت، بی‌تکلفی، بدعت و از همه بیشتر و مهم‌تر مسأله‌ی اقتصاد زبانی (کم کوشی) در آن دیده می‌شود.

در پایان نامه‌ی دیگر، خانم مختاری، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد تهران، در سال ۱۳۸۹ به بررسی چگونگی ترجمه‌ی لغات تابو به زبان فارسی با استفاده از آثار نویسنده‌ی معروف «گابریل گارسیا مارکز» پرداخته است. و راه کارهای ترجمه‌ی واژگان تابو از زبان‌های دیگر به زبان فارسی را مورد بررسی قرار داده است.

مقاله‌هایی نیز در این زمینه تدوین شده‌است، از جمله: مقاله‌ای از نوشین شکیبیا با عنوان «تأثیر بافت اجتماعی بر کاربرد دش‌واژه‌ها در گفتار زنان و مردان تهرانی» (۱۳۸۳)، که هدف اصلی این تحقیق بررسی رفتارهای زبانی گویشوران تهرانی است با تمرکز بر تفاوت‌های نوع واژه‌های تابو و بسامد استفاده از آن‌ها. همچنین مقاله‌ای به وسیله‌ی نوید نادری با عنوان «نگاهی به چگونگی عملکرد فرایند استعاره در کاربرد دش‌نام‌واژه‌های زبان فارسی»، در بررسی کاربرد استعاره در دش‌نام‌واژه‌های به کار رفته در تهران تهیته شده است. این مقاله به بررسی عملکرد استعاری دش‌واژه‌ها اشاره می‌کند. و نتیجه گرفته است که: «دش‌نام‌واژه‌ها به هنگام انتخاب از روی محور جانیشینی و ترکیب آنها با واژه‌های دیگر بر روی محور همنشینی در موقعیت خاصی که گوینده انتخاب می‌کند و مخاطب به درک آن دست می‌یابد، می‌توانند در مفاهیم کاملاً مغایر نسبت به یکدیگر به کار روند» (نادری، ۱۳۸۳: ۸۵).

دیگری مقاله‌ای است از شریفی با عنوان «بررسی نمود زبانی تابو در ترجمه به فارسی و پیامدهای آن» (۱۳۸۸)، که نشان داده است مترجمین در برخورد با لغات تابو بیشتر از راهکار حذف استفاده کرده‌اند و ترجیح داده‌اند که لغات تابو را ترجمه نکنند.

با توجه به آن چه ذکر شد پژوهشی که به طور دقیق و علمی، آن هم بر پایه‌ی داستان‌های معاصر، این واژه‌ها را مورد تحلیل قرار داده باشد در زبان فارسی صورت نگرفته است. شاید علت عدم پژوهش گسترده در این زمینه برخی محدودیت‌های اخلاقی و اجتماعی در کاربرد رسمی این نوع واژه‌ها بوده است.

۲- فصل دوم

۲-۱- مبانی نظری و پیشینه‌ی تحقیق

۲-۱-۱- داستان و واقعیات جامعه

دلیل انتخاب داستان‌ها برای انجام این تحقیق، اعتبار و ارزش انکار ناپذیر داستان و رمان در جامعه است. داستان پردازان از همان آغاز به دنبال این بودند که رفتار و کردار زندگی واقعی را در آثار خویش وارد کنند از رهگذر آن به آثار خود رنگ و بویی از واقعیت ببخشند.

داستان تصویر خیالی از زندگی است که بخشی از حیات را نشان می‌دهد و آن را در پرتو کلمات به نمایش می‌گذارد. شاید بتوان داستان‌نویسی را تجربه‌ی یک زندگی جدید در عرصه‌ی هنر دانست که تصویرهای ذهنی آن، برگرفته از واقعیت است و در آن، زندگی افراد جامعه، با احساس و نگرش نویسنده در هم آمیخته شده‌است. بسیاری از خرده فرهنگ‌ها و آداب و رسوم مردم یک جامعه را می‌توان از داستان‌های نوشته شده در آن جامعه یافت.

« در حقیقت رمان‌نویسی که درباره اجتماع رمان می‌نویسد جامعه‌شناسی است که نه از طریق پژوهش‌های آماری و توصیفی، بلکه با گرد هم آوردن شخصیتها و وقایع گوناگون در اثرش، نظریه‌ای جامعه‌شناختی می‌سازد که این نظریه نشان دهنده‌ی ارزشهایی است که بر آن جامعه حاکم است یا رمان‌نویس آرزوی تحقق آنها را در سر می‌پروراند» (عسگری، ۱۳۸۷: ۱۱۱).

هر نویسنده‌ای عضوی از جامعه‌ی خویش است و به گستردگی از جامعه و دستاوردهای فرهنگی آن بهره می‌گیرد و با استفاده از میراث فرهنگی بالنده‌تر می‌گردد. این بالندگی آفرینش‌هایی در پی دارد که می‌تواند به غنای فرهنگی جامعه یاری رساند. پس خالق اثر ادبی در برابر مجموعه‌ای از ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و تاریخی

جامعه و در برابر وجدان خود مسئول است. رابطه‌ی داستان و ادبیات رابطه‌ای دو سویه است. همان طور که داستان بر جامعه تأثیر می‌گذارد؛ محیط ادبی نیز در شکل گرفتن آن مؤثر است. با خواندن داستان‌های نوشته شده در جوامع تا حد زیادی می‌توان به آداب و رسوم و عقاید مردم دست یافت. تمام نظریه پردازان به این امر معتقدند که بین رمان و داستان و جامعه‌ای که رمان یا داستان را خلق کرده‌است، ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد.

«ریموند ویلیامز در کتابش تحت عنوان رمان انگلیسی از دیکنز تا لارنس به جای سخن گفتن از رابطه رمان و جامعه، درباره تأثیر رمان در جامعه سخن می‌گوید. او معتقد است رمان مشابه جامعه و یا انعکاس تصویری از آن نیست، بلکه عمیقاً با جامعه درگیر است... رمان تأثیری عمیق بر جامعه دارد و به شکل گرفتن آرمانها و ارزشهایی منجر می‌شود که جامعه به وسیله آنها به شناختی از خویش دست می‌یابد» (همان: ۸۷).

در خصوص ارتباط انکارناپذیر بین رمان، داستان و جامعه می‌توان این مسأله را مطرح کرد که از آن زمانی که ایرانی متوجه تغییرات فراوان در دنیای اطرافش شد و تفاوت فاحش بین جامعه‌ی ایرانی و جوامع سایر ملل را یافت و شناخت؛ به این نتیجه رسید که شیوه‌ای نو برای ثبت این تفاوت‌ها، در جهت تلاش برای بیدار کردن مردم و برای به حرکت در آوردن جامعه لازم است. بسیاری از نویسندگان تلاش کردند که با نوشتن حقایق جامعه که بسیاری از این حقایق نیز تلخ و ناگوار بود، مردم را بیدار کنند و در این راه نوشته‌هایشان را در قالب اشعاری با محتوایی جدید و همچنین قالب جدید داستان و رمان بریزند و به جامعه ارائه دهند. البته ناگفته نماند که برای تنظیم این قالب جدید احتیاج به ایجاد تغییراتی اساسی در طرز نگارش نیز بود. به این ترتیب گرایش به ساده نویسی به صورت شیوه‌ای جدید برای ارائه‌ی مضامین جدید، باب شد. «آثار بزرگانی همچون ملکم خان، زین‌العابدین مراغه‌ای، دهخدا و ... در گسترش نثر جدید فارسی سهم‌نمایی داشتند و مشخص‌ترین چهره در بین آنها «طالب‌زاده» است که در کتاب «احمد» درباره‌ی مسائل اجتماعی - گاه به شیوه روسو - به اظهار نظر پرداخته است» (دست‌غیب، ۱۳۷۱: ۱۳۰). این نویسندگان خوش ذوق و متعهد آگاهانه برای تغییر دادن مسیر ادبیات تلاش می‌کردند. و معتقد بودند که با روزنامه، داستان، رمان و قالب‌هایی این گونه، آن هم به زبان ساده می‌توان ملت را بیدار کرد.

«نویسنده ابزار حقیقت است، او اندیشه‌ها و واقعیت‌هایی را برای خواننده روشن می‌کند که خودکامگان همواره تلاش کرده‌اند همچنان در حجاب بمانند. او بر آن است تا برای اشیاء اموری که بیان نشده‌اند بیانی مناسب و در خور بیاید، تعریفی روشن از اشیاء به دست دهد تا آدمی با شناخت آنها آسانتر و راحتتر در میانشان زندگی کند» (گلشیری، ۱۳۷۱: ۱۸).

بزرگان ادب دوران مشروطیت خود آگاه بودند که با نوشته‌هایشان قادر خواهند بود در اجتماع تغییراتی ایجاد کنند.

« سران مشروطه و طالب‌زاده از اهمیت کار خود چه در زمینه سیاسی و چه در زمینه ادبی آگاه بودند، و خود طالب‌زاده می‌دانست که از بنیاد گذاران نثر ساده پارسی است. و در این باره می‌نویسد: از برکت کثرت مطالعه و زور مداومت بعضی آثار مختصر به یادگار گذاشتم که اخلاف بنده تکمیل کرده بنده را مهندس انشاء جدید بدانند.» (دست‌غیب، ۱۳۱: ۱۳۷۱).

در آستانه‌ی انقلاب مشروطیت برای نخستین بار ایرانیان در تاریخ خود به خود اجتماعی‌شان اندیشیدند. منتهی این بار نه بر حسب تعاریف عرفانی و نفسانی، بلکه بر حسب تعاریف اجتماعی سعی کردند خود را باز شناسند. یعنی از درون به بیرون آمدند و از بیرون به خود و جامعه نگاه کردند. تا قبل از این الگوهای کنش، الگوهای نمادین و اسطوره‌ای و دینی بود. از «من» و از «دیگری» خبری نبود. چرا که همه به هم شبیه بودند. همه رعایای دولت بودند. همه در برابر تنی واحد که امور را در دست داشت؛ هیچ بودند. اما بعد از آن ایرانیان دیدند که غرب از کشف و شهود بریده است و دیگر این عالم مثالی را که مرجع عرفان بود نمی‌شناخت. از نظر غرب همه چیز در اشیا خلاصه می‌شد. نتیجه‌ی ورود این نگرش به شرق این شد که ایرانیان خود را از نگاه غربی دیدند. موجودی مفلوک، پریشان حال و عقب مانده که در خوابی هزار ساله فرو رفته است. همین تغییرات باعث ایجاد تحولی اساسی در نثر فارسی شد.

جستجوی هویت و تشخیص جدید، قالبی تازه برای بیان آرزوها و آمال مردم جامعه لازم داشت. این قالب تازه چیزی جز «رمان» و «داستان» به شیوه‌ای نوین نبود. « اصولاً پیدایش رمان فارسی، حاصل لزوم نگرش جدیدی به مردم و جامعه است. این نگرش مبتنی بر باورهای طبقه متوسط است که با دیدگاه سنتی متفاوت است» (عابدینی، ۱۳۶۹: ۲۲). روشن است که تغییر و تحولات اجتماعی تأثیری مستقیم و بلاشک بر داستان‌ها دارد. زمانی که گفته می‌شود، شکل‌گیری رمان در ایران مانند پیدایش همین قالب در اروپا، تحت تأثیر مستقیم شکل‌گیری طبقه‌ی متوسط است؛ این امر نشان می‌دهد که جامعه و رمان و داستان ارتباطی نزدیک با هم دارند. تمام تغییر و تحولات اجتماعی در داستان‌ها به دست نویسندگان توانا و حساس به تصویر کشیده شده است. در جریان انقلاب مشروطیت زمینه‌ی فکری آن را تعدادی از آثار داستانی پدید آورد.

۲-۱-۲- تعریف زبان

یکی از درخشان‌ترین تمایزات بین انسان و حیوان، زبان است. انسان‌ها به کمک این تفاوت فوق‌العاده می‌توانند با هم ارتباط برقرار کنند و توانائی‌های انسانی خویش را بروز دهند. زبان بزرگ‌ترین عامل ایجاد جوامع بشری و

مسائل مربوط به آن همچون فرهنگ، تمدن، هنر و غیره است. در تعریف زبان گفته شده است: «زبان نظامیست به هم بافته و نهادیست اجتماعی و استعدادیست فطری و زاینده که سبب تولید یا فهم علائم و کلمه‌ها و جمله‌های تازه بشمار، بوسیله انسان میشود و از این راه بین اجتماعات افراد بشر ارتباط برقرار میکند» (فرشیدورد، ۱۳۸۴: ۲۴). در جایی دیگر آمده است: «زبان یک پدیده ذهنی است، پیکره‌ای از دانش مربوط به آواها، معانی و نحو که در ذهن جای دارد» (فالك، ۱۳۷۱: ۳۱).

۲-۱-۳- کارکردهای زبان

زبان کارکردهای متفاوتی دارد. مانند کارکرد ایجاد ارتباط، محمل اندیشه، حدیث نفس و آفرینش ادبی. اصلی‌ترین کارکرد زبان «ایجاد ارتباط» است. از سویی زبان حامل فکر است، بدین ترتیب که فعالیت فکری بشر در قالب زبان انجام می‌پذیرد و دیگر استفاده از زبان به صورتی که دارای ظاهری زیبا باشد. (صفوی، ۱۳۶۰: ۱۳-۱۲) در واقع مهم‌ترین کارکرد زبان برقراری ارتباط معنا دار بین انسان‌هاست. و مرتبط‌ترین نقش زبان با ادبیات، نقش زیبایی آفرینی آن است. «در نقش زیبایی آفرینی کارکرد شاعرانه‌ی زبان آشکار می‌گردد. در این نقش، کلام عادی به سخن ادیبانه و یا به تعبیری بهتر، «زبان» به «ادبیات» تبدیل می‌شود» (عقداپی، ۱۳۸۱: ۸). زبان چون دستگاهی منظم و به هم پیوسته است که با دادن توانائی‌هایی خاص به انسان، او را از سایر حیوانات متمایز می‌سازد.

۲-۱-۴- شکل‌های مختلف زبان

زبان به بخش‌ها و یا به بیان بهتر شکل‌هایی تقسیم می‌شود، که هر کدام قواعدی خاص خود دارند. زبان‌شناسان اشکال مختلف زبان را به سه دسته‌ی گونه، گویش و لهجه تقسیم کرده‌اند. این اشکال بر طبق تفاوت آن‌ها در انتخاب و کاربرد واژگان، قواعد دستوری، مطابقت یا عدم مطابقت با زبان رسمی و معیار و مسائلی این‌گونه تعریف می‌شوند.

۲-۱-۴-۱- لهجه (Dialect)

یکی از اشکال اصلی زبان «لهجه» است. این اصطلاح در زبان‌شناسی به طرز صحبت کردن افراد در موقعیت‌های جغرافیایی متفاوت اطلاق می‌شود. لهجه تا حدود زیادی نشان‌دهنده‌ی قومیت فرد سخنگو است. در تعریف لهجه آمده است: «لحن بیان یعنی شیوه تکلم خاص روستاها یا شهرها مانند اینکه می‌گویند فلانی با لهجه شیرین اصفهانی حرف می‌زند یا لهجه غلیظ ترکی دارد یا لهجه عربی دارد» (رضائی، ۱۳۸۱: ۱۷۷). در تعریفی دیگر نیز لهجه این‌گونه تعریف شده است: «آن دسته تفاوت‌هایی که در جامعه‌ی زبانی وجود دارد و به شخص سخنگو مربوط می‌شود- یعنی ناشی از وضعی است که او در اجتماع دارد- وضعی که در یک مقطع زمانی تقریباً ثابت

است» (ساغروانیان، ۱۳۶۹: ۳۷۴). اهل یک زبان با لهجه‌های بی‌شمار موجود در زبانشان آشنا هستند. اگر حتی نتوانند به تمام لهجه‌ها صحبت کنند، به راحتی با افرادی با لهجه‌های متفاوت ارتباط برقرار می‌کنند. در مورد ارتباط این شکل زبان با موضوع پژوهش حاضر باید گفت، در موارد مختلف می‌توان نمونه‌هایی از دش‌واژه و دشنام‌واژه‌ها یافت که مخصوص لهجه‌ای خاص است. واژگانی که فقط اهل منطقه‌ای خاص آن را به کار می‌برند و معنای آن را درک می‌کنند. برای نمونه در یکی از لهجه‌های مربوط به شهرستانی در استان چهارمحال و بختیاری واژگانی مانند: «گو گیجه رفتن، لیم بودن، نیش شل، لپ شور» و مانند این وجود دارد که افرادی که با این لهجه آشنا نباشند، معنای آن‌ها را در نمی‌یابند. روشن است که در لهجه‌های مختلف، تفاوت در واژگان ممنوع تا حدودی دیده می‌شود، و همان گونه که سایر لغات در لهجه‌های گوناگون متفاوت هستند؛ واژگانی که گویندگان هر لهجه برای لغات ممنوع به کار می‌برند نیز با بقیه‌ی لهجه‌ها فرق می‌کند.

۲-۱-۴-۲- گویش (Patois)

شکل دیگری از زبان «گویش» نامیده می‌شود. این شکل زبان نسبت به اشکال دیگر، تفاوت‌هایی با زبان معیار و رسمی کشور دارد. «گویش اسم مصدر است از گفتن که در قدیم به صورت گویش، گُوش و گُوشت در متونی قدیمی چون مقدمه شاهنامه ابومنصوری (تألیف ۳۴۶ ه.ق) تاریخ سیستان (حدود ۴۴۵ ه.ق) و ... آمده است. و در همه آنها معنای قول و گفتار است» (رضائی، ۱۳۸۱: ۱۷۸). گروهی بین گویش و لهجه فرق نگذاشته‌اند. اما بنا بر تعاریف کتاب «اصطلاحات زبانشناسی» گویش فراتر از لهجه است و با زبان معیار تفاوت‌های بیشتری دارد. «گویشها از روی ملاکهای زبان‌شناختی هر کدام خود به منزله زبانی جداگانه هستند. ولی چون در محدوده قلمرو سیاسی یک کشور، زبان رسمی به حساب نمی‌آیند، نام زبان بر آنها اطلاق نمی‌شود» (ساغروانیان، ۱۳۶۹: ۳۷۴). اما علی‌اشرف صادقی کلمه‌ی گویش را برای لهجه‌های یک زبان مناسب دیده که اختلاف آنها با آن زبان نسبتاً زیاد است به حدی که فهم آن را برای سایر اهل زبان مشکل می‌سازد، مانند گویش قاین نسبت به فارسی. (ر.ک، همان: ۱۷۹) به هر حال در گویش‌های یک زبان علاوه بر واژگان، قواعد دستوری نیز نسبت به زبان معیار، متفاوت است.

در گویش‌ها نیز می‌توان واژگان ممنوعی را یافت که اهل گویش آن‌ها را به کار می‌برند بدون این که دیگران متوجه معنای آن واژگان باشند. به عنوان نمونه چند مورد از دشنام‌واژه و دش‌واژه‌های موجود در گویش «لری» آورده می‌شود:

«یه چی مینه نَفِتِ شونا»: «دردی به دماغت بزند».

«نا شادی گرات»: «اتفاق بدی برایت بیفتد».